دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال شانزدهم/ شماره ۲۷/ بهار و تابستان ۱۴۰۴

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 16 ,No 27, Spring & Summer 2025

# قیومیت مرد از دیدگاه علامه طباطبایی و آمنه ودود

□ حسین‌علی فصیحی *

## چکیده

مفهوم قیومیت مرد در قرآن کریم، به‌ویژه در آیه ۳۴ سوره نساء، یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در تفسیر قرآن و فقه اسلامی است. این مقاله به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های علامه طباطبایی و آمنه ودود درباره قیومیت مرد پرداخته است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور، قیومیت را به‌عنوان مسئولیت مدیریتی و اقتصادی برای مردان می‌دانند که باید در عدالت و نظم الهی به اجرا درآید و نباید به‌عنوان سلطه‌گری و برتری مردان بر زنان تفسیر شود. در مقابل، آمنه ودود با نگاهی نواندیشانه و انتقادی، بر بازخوانی و بازتفسیری از مفهوم قیومیت تاکید دارد و معتقد است که این مفهوم در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن زمان ریشه دارد و نیاز به بازنگری دارد. ودود بر برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی در تفسیر قرآن تاکید می‌کند و نقدهایی جدی به تفاسیر سنتی که قیومیت را به‌عنوان برتری مردان معرفی می‌کنند، وارد می‌آورند .

این مقاله با تحلیل تطبیقی این دو دیدگاه، نشان می‌دهد که هر دو مفسر به عدالت توجه دارند، اما در نحوه تفسیر آن و ارتباط آن با مفهوم قیومیت تفاوت‌هایی دارند. در نهایت، این پژوهش می‌کند که مفاهیم دینی مانند قیومیت باید در بستر زمان و تحولات اجتماعی بازخوانی و بازتفسیری شوند تا با اصول حقوق بشر و برابری جنسیتی هم‌خوانی داشته باشند. این مقاله به ضرورت گفتمان میان تفاسیر سنتی و معاصر برای رسیدن به درکی جامع‌تر از آموزه‌های قرآنی اشاره دارد و پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده در این زمینه ارائه می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** قوامیت، هرمنوتیک، علامه طباطبای، آمنه ودود، آیه ۳۴سوره نساء.

---

[۱] * دکتری، علوم قرآن، فقه و معارف اسلامی.

**مقدمه**

مسئله قیومیت مرد بر زن یکی از موضوعات بنیادین در مباحث قرآنی و اندیشه اسلامی است که از دیرباز مورد توجه مفسران و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. آیه ۳۴ سوره نساء با عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، نقش و جایگاه مرد را در قبال زن مشخص می‌کند و در طول تاریخ، تفسیرهای متعددی از این آیه ارائه شده است. این مفهوم، محور بحث‌های فراوانی درباره نقش‌های جنسیتی، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌های خانوادگی در اسلام بوده است .

در این میان، علامه طباطبایی، از بزرگ‌ترین مفسران قرن بیستم، با رویکردی عقل‌گرا و مبتنی بر سیاق قرآنی، مفهوم قیومیت را به‌عنوان مسئولیتی الهی برای مدیریت و تأمین مالی خانواده توسط مرد تفسیر می‌کند. وی این مسئولیت را نه به‌عنوان برتری مطلق مرد، بلکه در چارچوب عدالت و حکمت الهی در توازن نقش‌های خانوادگی توضیح می‌دهد. در مقابل، آمنه ودود، از اندیشمندان فمینیست مسلمان معاصر، با رویکردی انتقادی و بازخوانی متن مقدس، مفهوم قیومیت را در بستر تاریخ اجتماعی نزول قرآن بررسی می‌کند و آن را نیازمند بازتفسیر در پرتو ارزش‌های معاصر همچون برابری جنسیتی می‌داند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های علامه طباطبایی و آمنه ودود، به دنبال پاسخ به این سوالات اساسی است :

۱. قیومیت در اندیشه علامه طباطبایی و آمنه ودود چه تعریفی دارد؟

۲. این دو اندیشمند، چگونه نقش عدالت و سیاق تاریخی را در فهم قیومیت مدنظر قرار می‌دهند؟

۳.تفسیرهای ایشان چه تأثیری بر گفتمان معاصر درباره برابری جنسیتی در اسلام دارند؟

اهمیت این موضوع نه تنها در تبیین جایگاه زن و مرد در اسلام، بلکه در ارائه راهکاری برای بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی در جوامع اسلامی معاصر است. روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی بوده و بر تحلیل منابع تفسیری، تاریخی، و اجتماعی استوار است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قیومیت در اندیشه علامه طباطبایی بیشتر به مسئولیت و وظیفه مدیریتی مردان در خانواده محدود می‌شود، در حالی که آمنه ودود با تأکید بر برابری جنسیتی، بازخوانی انتقادی از این مفهوم ارائه می‌دهد. این مطالعه تلاش دارد تا

ضمن مقایسه تطبیقی این دو دیدگاه، افق‌های جدیدی برای درک بهتر عدالت جنسیتی و نقش‌های خانوادگی در اسلام فراهم کند .

در نهایت، این مقاله می‌کوشد تا گامی در جهت بازتعریف و بازاندیشی مفاهیم قرآنی مرتبط با روابط جنسیتی برداشته و تعامل بین سنت و مدرنیته را در این حوزه به‌گونه‌ای علمی و سازنده بررسی کند.

## بخش اول: مفهوم قیومیت در قرآن کریم

یکی از موضوعات کلیدی در بررسی روابط جنسیتی در قرآن کریم، مفهوم «قیومیت» است که در آیه ۳۴ سوره نساء با عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بیان شده است :

»الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ «...

این آیه بارها در تفاسیر و مطالعات قرآنی مورد تحلیل قرار گرفته و مفاهیم مختلفی برای «قوامون» مطرح شده است. برای درک بهتر این مفهوم، تحلیل واژه‌شناختی، تفسیری و سیاقی ضروری است .

### ۱-۱. تحلیل لغوی واژه «قوامون»

در لغت قوام از قیام گرفته شده و صیغه مبالغه از واژه قائم است. لغت شناسان قوام آن را نقیض نشستن و به مفهوم عزم محافظت و اصلاح دانسته اند ابن منظور، لسان العرب، ۱/۲، ص۴۹۶؛ راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۶۹۱.(این واژه در سه آیه به کار رفته است (نساء ۳۴ ۱۳۵؛ مائده/۸) و به ترتیب با سه حرف جر علی، باء و لام به کار رفته است که بر اساس دسته بندی راغب اصفهانی، اولی قیام بالشخص» (بالاختیار) است و دومی و سومی قیام للشئ المراعاة للشیء والحفظ له) می‌باشد.

به دیگر سخن، قیام گونه‌های مختلفی همچون قیام به شخص قیام بر شخص و قیام ارادهٔ چیزی است و قیام به شخص دو گونه یعنی قیام به تسخیر یا قیام به اختیار تقسیم می‌شود و آیه مورد بحث از قبیل همین معناست که مرد با اختیاری که دارد امور زن را تدبیر می‌کند. هر چند قوام بر هر دو اطلاق شده ولی در حقیقت برای مرد وضع شده و در مورد زن به صورت مجازی

به کار می‌رود (راغب اصفهانی مفردات الفاظ القرآن ۶۹۱-۶۹۰) این تعبیر گویای اهمیت موضوع قیمومیت شوهر بر زن است؛ چرا که هرگاه کار جزئی باشد گفته می‌شود به آن قیام کنید و اگر مهم و حساس

باشد دستور می‌دهند که به آن «قوام» باشید؛ همچون حفظ قسط و اجرای عدل که برای آنها تعبیر به «قوام» شده است. «یا أَیهَا الّذِینَ آمَنُوا کونُوا قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلّهِ» (نساء: ۴/ ۱۳۵)؛ ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید. «یا أَیهَا الّذِینَ آمَنُوا کونُوا قَوّامِینَ لِلّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْط (مانده: ۵/۸)؛ ای اهل، ایمان برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت راستی و درستی گواه باشید (جوادی آملی، تسنیم ۱۸ ۵۵۱). «قوام الشئ» به ستونی گویند که شیء با آن پابرجاست ابن اثیر، النهایه ۱۲۴۴) خلیل بن احمد، العین، ۱۵/۷۲۲؛ جوهری، الصحاح، ۵/۲۰۱۷)

قوام به مفهوم ولی امر کسی بودن آمده است زمخشری، اساس البلاغه، ۵۲۸). قیام و قیوم صیغه مبالغه و صفت خدا به معنای قائم به امور مخلوق و تدبیر عالم و حالات است ابن اثیر، النهایه (۴ (۱۲۴) و بر این اساس است که برخی از اهل لغت قوامیت را قیام به امر زن، حفظ و اصلاح او دانسته و عبارت «قوامون» را در آیه مورد پژوهش به مفهوم اصلاح گری و محافظت از زنان تفسیر کرده اند چه این که در آیه «الا ما دمت علیه قائماً» (آل عمران ۳ (۷۵ هم به معنای مزبور تفسیر شده است زبیدی، تاج العروس، ۱۷/ ۵۹۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱/۲، ص ۴۹۷)

درمقابل برخی معنای دیگر قوامیت را،ولایت قیمومیت و سرپرستی می‌دانند. چه این که طریحی قوامون به معنای حق ولایت حکومت و سرپرستی و حق ولایت مردان بر زنان و صاحب اختیار آنان داشتن آنان می‌داند (طریحی، مجمع البحرین، ۱۶/۱۴۲).

به نظر ابن اثیر «قوم» مصدر است که به دلیل کثرت کاربرد به مردان اختصاص یافته است (ابن اثیر، النهایه، ۴/۱۲۴) از منظر زبیدی «قیم» به معنای سرپرست و سیاست گذار امور زن است؛ زیرا مرد خانواده تمام نیازهای همسر خود را تأمین کرده و امور وی را تدبیر می‌کند (زبیدی، تاج العروس، ۱۷،۵۹۷)

لغویان معاصر به این دیدگاه گرایش دارند (قرشی، قاموس قرآن، ۶/۵۱) ابن فارس برای این واژه

دو معنای متفاوت ذکر کرده است: یکی گروهی از انسانها و غیر آنها (قوم) که جز درباره مردان به کار نمی رود (لا یسخر قوم من قوم... ولا نساء من نساء) (حجرات: (۴۹) (۱۱) ایشان می‌گوید مفرد این واژه در این معنا را «امرء» دانسته اند (ابن فارس، مقاییس اللغه، ۱۵،۴۳)فیومی نیز با تصریح به این نکته که «قوم» به معنای جماعتی از مردان است که زن در آنها نباشد می‌گوید مفرد این واژه «رجل» و «امرء» است (فیومی، المصباح المنیر، ۲، ۵۲۰) آن گاه می‌گوید از آن جهت به گروهی از مردان «قوم» اطلاق می‌شود که آنها به کارهای بزرگ و مهم قیام می‌کنند (همان).

البته می‌توان گفت اطلاق «قوم» بر گروه مردان به تنهایی در سوره حجرات همراه باقرینه است و اگر چنین قرینه ای،نباشد به معنای گروهی از مردم (ناس) است؛ چنان که ابن فارس بدان اشاره کرده است فیومی نیز نقل می‌کند که زنان نیز به تبعیت از مردان در این واژه داخل می‌شوند؛ به دلیل آنکه قوم هر،پیامبری تنها مردان نیستند، بلکه زنان نیز هستند (همان) در قرآن کریم نیز قوم بر زنان اطلاق شده است «إنما أنت منذر و لکل قوم هاد» (رعد: ۱۳/۷)، «وجدتها و قومها یسجدون للشمس» (نمل: ۲۷/ ۲۴). معنای دیگر ابن فارس برای این واژه ایستادن ضد قعود برای کاری است؛ خواه به صورت قیام عملی باشد یا آنکه عزم و تصمیم انجام آن را داشته باشد. در هر دو صورت می‌گویند برای انجام این کار قیام کرد ابن فارس، مقاییس اللغه، ۵/۴۳)

از عبارات المصباح المنیر استفاده می‌شود که معنای اصلی این واژه همین است و معنای نخست نیز به همین معنا بر می‌گردد. برخی از پژوهشگران قرآنی که منکر اشتراک لفظی در لغت عرب به ویژه در قرآن کریم هستند نیز چنین اعتقادی دارند (مصطفوی، التحقیق.... ۹/۳۷۹)

بر پایه آنچه از اهل لغت بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که «قوامون» جمع «قوام» صیغه مبالغه «قائم» از ریشه «قوم» است و چنانچه مصطفوی در التحقیق آورده است: " ان الأصل الواحد فی المادة: هو ما یقابل القعود أی الانتصاب وفعلیة العمل، مادیا أو معنویا. و هذا المعنی یختلف باختلاف الموضوعات فی موضوع خارجی، أو عمل، أو أمر معنوی، فالانتصاب و الفعلیة فی کل منها بحسبه" (مصطفوی التحقیق، ۹/۳۷۹) و دارای معانی زیر است:

۱ .سرپرستی امور زیر دستان و ولی آنان حاکم،مدیر مدبر و تدبیر اندیش، محافظ و اصلاح گر امور زیردستان.

۲ برتری‌های اکتسابی این موضوع شامل پرداخت مهریه پرداخت نفقه، تدبیر امور، محافظت از هویت

شخصیت و حرمت زن می‌شود،قرشی قاموس قرآن، ۵۱۱۶)؛ چه این که در التحقیق آمده است قوام کسی است که در تدبیر امور زن و رفع احتیاجات او مشرف است و آیه نیز بر افضلیت ذاتی مرد بر زن در تدبیر کردن امور زن دلالت دارد؛ زیرا علاوه بر این که مرد از مال خود برای زن انفاق،می کند نفقه زن نیز به دست مرد است (مصطفوی، التحقیق، ۹، ۳۸۳)

## ۲-۱. قوامیت در قرآن

ریشة «قوم» و مشتقات آن ۶۶۰ بار در قرآن به کار رفته است. مشتقات آن در قرآن به معانی مختلفی از جمله برخاستن (نمل/ ۳۹)، توقف (بقره / (۲۰)، ثبوت و دوام (روم/ ۲۵)، عزم و اراده (مائده/ ۶)، وقوع امر (روم/ ۱۴۱۲)، مشغول شدن به کاری (مزمل/ ۲۰) برپا کردن (بقره /۳) ثابت و پابرجا (یونس (۸۹)، راه راست (یوسف/۴۰)، قائم به تدبیر خلق (طه /۱۱۱)، قیم و سرپرست (نساء/ ۳۴)، جایگاه (دخان/ ۵۱)، منزلت (رحمن /۴۶)، اعتدال (فرقان/ ۶۷) و... به کار رفته است . (قرشی، قاموس قرآن، ۶/۵۱).)

## ۳-۱ .قیومیت در اصطلاح فقهی

صاحب جواهر ریاست شوهر را امری مسلم می‌داند و در بحث از حقوق متقابل زن و شوهر بیان می‌کند:

هر یک از زوجین بر دیگری حقی دارد که لازم است صاحب حق، آن را رعایت کند، هرچند حق شوهر بر زن به مراتب بیشتر است. (نجفی، جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۴۸)

امام خمینی نیز با بیانی مشابه به سخن صاحب جواهر اشاره کرده و می‌نویسد: از حقوق شوهر بر زن این است که زن از شوهر اطاعت کند، نافرمانی نکند و بدون اجازه او از منزل خارج نشود. (امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۳۰۳)

## ۴-۱. هرمنوتیک در آثار آمنه ودود

آمنه ودود، از شاگردان فضل الرحمن (۱۹۱۹-۱۹۸۸)، محقق و اندیشمند مسلمان پاکستانی،

تحت تأثیر اندیشه‌های روش‌شناسانه او، الگویی هرمنوتیکی برای فهم قرآن با عنوان «هرمنوتیک توحیدی» ارائه می‌دهد. فضل الرحمن معتقد است که تنها یک روش معتبر برای تفسیر متن وجود ندارد و از نظر او، تفاسیر متعدد برای بقای دین و انسجام بخشی به قرآن امری اساسی به شمار می‌رود. این پدیده‌ای طبیعی و حتی ضروری است. تنوع و تکثر برداشت‌ها از متن قرآن، به هیچ‌وجه از تقدس آن نمی‌کاهد، چرا که پدیدآورنده‌اش خداوند است. فضل الرحمن تأکید می‌کند که استنباط معانی از قرآن باید با اصولی مشخص و مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی طبقه‌بندی‌شده هدایت شود تا از برداشت‌های سلیقه‌ای، غیرضروری یا تحمیلی جلوگیری گردد. (ر.ک؛ سعید، ۱۳۸۵، ص ۷۵-۷۶)

فضل الرحمن عناصر رویکرد خود به تفسیر قرآن را در قالب نظریه‌ای به نام «نظریه دو حرکتی» تدوین کرد. این نظریه با هدف مرتبط ساختن آموزه‌های قرآن با نیازهای مسلمانان امروز مطرح شده است. او معتقد است برای ایجاد مجموعه‌ای اصیل و قابل اجرا از قوانین اسلامی، باید دو حرکت انجام داد: نخست، حرکت از برخوردهای عینی قرآن که شرایط اجتماعی دوره نزول را در نظر گرفته‌اند، به سوی اصول عمومی که پیونددهنده تمام آموزه‌های قرآن هستند. در حرکت دوم، باید از این اصول عمومی به سوی قوانین ویژه‌ای بازگشت که متناسب با شرایط عصر حاضر باشند. به عبارت دیگر، این فرآیند شامل دو حرکت در اندیشه فقهی است: اول، حرکت از جزء به کل، و دوم، حرکت از کل به جزء. در حرکت اول، با بررسی بافت اجتماعی-تاریخی قرآن و شرایط نزول وحی، اصولی عمومی مانند عدالت، برابری و آزادی استخراج می‌شوند. در حرکت دوم، این اصول عمومی به عنوان مبنایی برای تدوین قوانین متناسب با دوره جدید به کار می‌روند. (ر.ک؛ همان، ص ۱۰۰)

الگوی هرمنوتیکی آمنه ودود برای تأیید نتایج متن، با سه جنبه اصلی متن سروکار دارد و تفاوت‌های عقیدتی اغلب ناشی از تأکید متفاوت بر این جنبه‌هاست:

۱ .زمینه تاریخی متن (در مورد قرآن، فضایی که در آن نازل شده است).

۲ .ساختار دستوری متن (چگونگی بیان و انتقال پیام).

۳ .کلیت متن یا جهان‌بینی آن. (ر.ک؛ همان، ص ۴۲)

ودود تلاش می‌کند روش پیشنهادی فضل الرحمن را در تفسیر قرآن به کار گیرد. به نظر او، تمام آیات قرآن در مقطع زمانی خاصی از تاریخ و در چارچوب اوضاع و شرایط خاصی نازل شده‌اند و متناسب با آن شرایط بیان گردیده‌اند. با این حال، پیام قرآن به آن زمان یا شرایط تاریخی محدود نمی‌شود. خواننده باید دلالت بیانات قرآنی را در محدوده زمانی نزول آن‌ها درک کند تا معنای درست آن‌ها را دریابد. این همان مفهوم «روح قرآن» در دوران جدید است.

## ۵-۱. هرمنوتیک و روش فهم قرآن علامه طباطبایی

برخی از مبانی هرمنوتیک تفسیری علامه عبارت اند از:

۱ -قرآن وحی الهی است طباطبائی، ١٤١٧، ج ۲: ۱۵۲ تا ۱۵۵)پس خداوند شایسته ترین مفسر آن است (نحل / ٦٤))

۲ـ هدف از فهم قرآن، فهم مراد خداوند است (طباطبائی، ١٤١٧، ج ١: ٤). قرآن معنایی معین و فهم پذیر دارد (طباطبائی (۱۳۷۳ ۱۸ تا ۲۵). پس علامه مؤلف محوراست.

۳ .برای فهم قرآن باید از همان اصولی استفاده کرد که در عصر نزول حاکم بوده است معلمان واقعی قرآن به حکم قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام هستند (نحل /٦٤؛ واقعه / ۷۷ - ۸۰).

۴ .قرآن از نظر محتوا و مدلول چنان نیست که با یک فهم متعارف به حقیقت آن رسید. پس نباید با آن عرفی برخورد و به فهم گزاره ای اکتفاء کرد. توجه به روش توصیه شده شارع در فهم قرآن ضروری است (طباطبایی ١٤١٧، ج ۳: ۷۷ و ج ۱: ٢٦٠).

٥. قرآن پیامهای خود را با روش زبان عمومی و بر اساس اصول محاوره عقلائی بیان می‌فرماید پس همه ضوابط زبان و دلالتهای لفظی در فهم معنای ظاهری برآن حاکم است (طباطبایی، ١٤١٧، ج ١٨: ٧٤) .

٦ .همهٔ آیات قرآن دارای معانی باطنی اند. با تاویل، معنای آنها به دست می‌آید؛ ولی تأویل در انحصار معصومین و راسخون در علم است (طباطبایی، ۱۳۷۳:٤٠)

۷ .معانی لفظی و باطنی در طول هم هستند و با هم تنافی ندارند و هر دو مراد خداوند هستند (طباطبایی١٤١٧، ج ۳: ٦٤)

۸ .قرآن در تفسیر خود مستقل از غیر است (طباطبائی، ۱۳۷۳: ۱۸؛ طباطبایی، ۱٤۱۷، ج ۱: ۹ و ج ۳: ۷۸)

۹ .همهٔ آیات قرآن کلام پیوسته و منسجم است. برای فهم صحیح آن باید هر آیه را با آیات دیگری تفسیر کرد که از نظر موضوع و محتوا با آن یکسان است؛ در غیر این صورت، تفسیر به رأی صورت می‌گیرد. مفسر نباید انتظارات نادرست خود را بر قرآن تحمیل کند (طباطبایی ۱٤۱۷، ج ۳: ۷٦).

۱۰ –آموزههای قرآنی برای همه اعصار و اقوام است (اعتقاد به فطرت مشترک برای انسان) (طباطبایی، ۱٤۱۷، ج ۱٦: (۱۷۹). قرآن شامل همهٔ معارفی است که بشر برای رسیدن به سعادت تا روز قیامت بدان نیاز دارد (طباطبائی، ۱٤۱۷، ج ۲: ۱۳۳ نقل به مضمون

۱۱– همه انسانها توان درک همه حقایق قرآنی را ندارند. عقل انسان در فهم کامل قرآن ناتوان است (طباطبایی، ۱۳٦۲ ۲۷، ٤۷، ۲۰۷ و۳۴)

۱۲ انسان باید برای فهم معتبر و کامل قرآن، قدسی شود (طباطبایی، همان).

## بخش دوم: دیدگاه علامه طباطبایی درباره قیومیت مرد

آیه «**الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ**» بیان می‌کند که مردان سرپرست زنان هستند، به دلیل برتری‌هایی که خداوند به برخی از آنها (مردان) نسبت به برخی دیگر (زنان) داده است، و نیز به دلیل هزینه‌هایی که مردان از اموال خود برای زنان می‌پردازند. کلمه «قَیِّم» به معنای کسی است که مسئولیت اداره و سرپرستی دیگری را بر عهده دارد، و کلمه «قَوَّام» و نیز «قیام» تأکید و مبالغه در همین مسئولیت است. مراد از عبارت «**بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ**» امتیازات و توانایی‌هایی است که خداوند به مردان عطا کرده است، مانند توانایی انجام کارهای دشوار و مسئولیت‌های سنگین، زیرا زندگی زنان بیشتر بر پایه احساسات و عواطف استوار است و ویژگی اصلی آن لطافت و رقت است. همچنین مراد از عبارت «**بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ**» مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌پردازند و نفقه‌ای است که به طور مستمر برای آنان تأمین می‌کنند.

از عمومیت علت ذکر شده در آیه می‌توان دریافت که حکم قیومیت مردان بر زنان نیز عمومیت دارد و تنها محدود به رابطه شوهر با همسرش نیست. به عبارت دیگر، این حکم تنها به سرپرستی مردان بر همسرانشان اختصاص ندارد، بلکه شامل سرپرستی مردان به طور کلی بر زنان در جنبه‌های عمومی زندگی است که به هر دو گروه مربوط می‌شود. بنابراین، در امور عمومی که به حیات جامعه مرتبط است، مانند حکومت و قضاوت، مردان به طور طبیعی مسئولیت بیشتری دارند، زیرا این امور نیازمند نیروی تعقل و تدبیر است که در مردان به طور فطری قوی‌تر است. همچنین، دفاع از سرزمین و جنگ‌آوری نیز نیازمند توان بدنی و عقلی است که در مردان بیشتر از زنان یافت می‌شود.

بنابراین، عبارت «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ» به طور مطلق و کامل بیان شده است و دلالت بر سرپرستی مردان بر زنان در جنبه‌های عمومی زندگی دارد. (طباطبایی، المیزان، جلد ۴، ص ۵۴۳)

## ۱ .تعریف قیومیت در اندیشه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی قیومیت مرد را به‌عنوان نوعی مسئولیت مدیریتی و تفسیر اقتصادی می‌کند که بر اساس نظم طبیعی و اجتماعی به مردان ارائه می‌شود. به اعتقاد او، این عامل ناشی از دو عامل اصلی است که قرآن نیز به آن‌ها اشاره کرده است :

۱. برتری‌هایی که خداوند به برخی افراد نسبت به برخی دیگر اعطا کرده است (نظیر قدرت جسمی، عقل مدیریت، و انجام امور امور) .

۲. وظیفه دولت مالی خانواده که بر عهده مرد قرار دارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴) .

علامه معتقد است که قیومیت به معنای سلطه یا برتری ذاتی بر مردان نیست، بلکه نشان‌دهنده تقسیم بین مردان و زنان بر اساس حقوق و حکمت الهی است .

از عمومیت علت ذکر شده در آیه می‌توان دریافت که حکم قیومیت مردان بر زنان نیز عمومیت دارد و تنها محدود به رابطه شوهر با همسرش نیست. به عبارت دیگر، این حکم تنها به سرپرستی مردان بر همسرانشان اختصاص ندارد، بلکه شامل سرپرستی مردان به طور کلی

بر زنان در جنبه‌های عمومی زندگی است که به هر دو گروه مربوط می‌شود. بنابراین، در امور عمومی که به حیات جامعه مرتبط است، مانند حکومت و قضاوت، مردان به طور طبیعی مسئولیت بیشتری دارند، زیرا این امور نیازمند نیروی تعقل و تدبیر است که در مردان به طور فطری قوی‌تر است. همچنین، دفاع از سرزمین و جنگ‌آوری نیز نیازمند توان بدنی و عقلی است که در مردان بیشتر از زنان یافت می‌شود.

بنابراین، عبارت «**الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ**» به طور مطلق و کامل بیان شده است و دلالت بر سرپرستی مردان بر زنان در جنبه‌های عمومی زندگی دارد. (طباطبایی، المیزان، جلد ۴، ص ۵۴۳)

از فرمایشات علامه طباطبایی نکات زیر به دست می‌آید:

### ۲ .قوامیت به‌عنوان مسئولیت، نه برتری

از علامه طباطبایی، مفهوم قوامیت بیشتر بر پایه مسئولیت است تا قدرت یا سلطه. او بیان می‌کند که مرد به دلیل نقش مالی و مسئولیت مدیریتی، قوام خانواده است، اما این به معنای نفی استقلال و شخصیت زن نیست. به گفته او :

برتری مرد در قوامیت، نه به معنای ارزش‌های برتر نسبت به زن، بلکه به معنای تقسیم بندی در ساختار خانواده است« (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۶)

### ۳ .نقش عدالت در قیومیت

علامه طباطبایی در تحلیل خود بر این نکته نکته دارد که باید در قیاس با طبابت عمل کند. به نظر، قیومیت بدون رعایت عدالت الهی و انسانی نمی‌تواند آغاز شود. وی بیان می‌کند که مردان موظفند در مدیریت خانواده، حقوق زنان را به‌طور کامل انجام دهند و در افراد نیازهای مالی، احساسی و روانی آن‌ها کوتاهی نکنند .

### ۴ .رابطه قیومیت و ویژگی‌های طبیعی

علامه با استناد به برخی از تفاوت‌های طبیعی و روان‌شناختی میان زن و مرد، قیومیت مرد را

امری منطقی می‌داند. وی معتقد است که مردان به دلیل‌های جسمانی و مدیریتی، برای ایفای نقش قوامیت مناسب‌تر هستند. او همچنین بر این نکته می‌کند که این تفاوت‌ها به معنای نقص در زنان نیست، بلکه نشان‌دهنده تفاوت در وظایف و مسئولیت‌ها است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۷) .

### ۵ .نقد تفسیرهای نادرست از قیومیت

علامه طباطبایی به‌طور همزمان برخی از تفسیرهای نادرست از قیومیت را نقد می‌کند. وی بر این باور است که برداشت‌های افراطی است که قوامیت را به سلطه‌گری مرد یا محرومیت زن از حقوق خود تعبیر می‌کنند، با روح عدالت‌محور قرآن ناسازگار است. به اعتقاد او، این تفسیرها بیشتر ناشی از فهم ناقص و تأثیرات فرهنگی هستند که با تعالیم واقعی اسلام در تضاد هست.

## بخش سوم: دیدگاه آمنه ودود در باره قیومیت مرد

آیه ۳۴ سوره نساء از مهم‌ترین آیات مرتبط با مسائل زنان است و آمنه ودود آن را آیه‌ای منحصر به فرد در زمینه روابط زن و مرد می‌داند. (قرآن و زن، ص ۱۳۱)

این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که این آیه به صراحت از قیمومت مردان بر زنان به دلیل ویژگی‌هایی که خداوند برای آنان مقرر کرده است سخن می‌گوید. سپس به بهترین ویژگی‌های زنان در مقابل مردان اشاره می‌کند و در نهایت، نحوه برخورد مردان با زنان نافرمان را بیان می‌کند که حتی ممکن است به تنبیه بدنی نیز بینجامد. به این ترتیب، این آیه نقشی محوری در مباحث مربوط به زنان ایفا کرده است و علمای اسلامی از آن به عنوان پایه‌ای برای دیدگاه‌های خود در کنار آیات دیگر استفاده می‌کنند.

### تفسیر ودود از آیه ۳۴ سوره النساء

آمنه ودود با روش‌شناسی خاص خود به بررسی این آیه پرداخته است. او بر دو واژه کلیدی در قرآن تأکید می‌کند که نشان‌دهنده تفاوت نقش‌ها و ارزش‌ها در جامعه هستند:

۱. دَرَجَة» به معنای مرتبه، مرحله یا سطح، که در آیه ۲۲۸ سوره بقره در مورد زنان و مردان به کار رفته است.

۲. فَضّل» که به معنای برتری دادن است و اغلب همراه با «درجة» استفاده می‌شود. قرآن تأکید می‌کند که خداوند برخی از مخلوقات را بر برخی دیگر برتری داده است، مانند برتری انسان بر سایر موجودات (الإسراء/۷۰)، برتری برخی گروه‌های مردم بر دیگران (البقره/۴۷ و ۱۲۲؛ الأعراف/۴۰)، و برتری برخی پیامبران بر دیگران (الإسراء/۵۵؛ الأنعام/۸۶؛ البقره/۲۵۳). ودود یادآور می‌شود که این برتری مطلق نیست و قرآن در عین حال تأکید می‌کند که هیچ تفاوتی میان پیامبران وجود ندارد (البقره/۲۸۵). این نشان می‌دهد که برتری در قرآن نسبی است و به شرایط خاصی وابسته است. (ر.ک؛ ودود، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰-۱۲۵)

## تحلیل ودود از آیه ۳۴ سوره نساء

ودود قبل از بررسی این آیه، دو شرط اصلی را برای قوامیت مردان بر زنان بیان می‌کند:

۱ .برتری‌هایی که خداوند به مردان داده است.

۲ .هزینه‌هایی که مردان از اموال خود برای تأمین زنان می‌پردازند.

او تأکید می‌کند که این دو شرط به هم وابسته هستند و اگر یکی از آن‌ها نباشد، قوامیت مردان بر زنان نیز وجود نخواهد داشت. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۱)

ودود به واژه «فَضّلَ» در این آیه می‌پردازد و اشاره می‌کند که تنها یک اشاره قرآنی به برتری مالی مردان وجود دارد، و آن مسئله ارث است که در آن سهم مرد دو برابر سهم زن است (النساء/۷). او معتقد است که اگر آیه ۳۴ سوره نساء به این برتری مالی اشاره کند، این برتری مطلق نیست، زیرا شرط دوم قوامیت (هزینه‌کردن از اموال برای زنان) نشان می‌دهد که رابطه‌ای متقابل بین حقوق و مسئولیت‌ها وجود دارد. مردان مسئولیت تأمین مالی زنان را بر عهده دارند و در مقابل، سهم بیشتری از ارث دریافت می‌کنند. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۲-۱۳۱)

ودود همچنین به تفسیرهای رایج از این آیه انتقاد می‌کند. بسیاری از مردان این آیه را دلیلی بر برتری ذاتی مردان بر زنان می‌دانند و معتقدند که خداوند مردان را از نظر قدرت و عقل برتر آفریده است. اما ودود این تفسیر را نامعتبر می‌داند، زیرا در این آیه هیچ اشاره‌ای به برتری جسمانی یا عقلانی مردان نشده است. او تأکید می‌کند که عبارت «**بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ**»

نشان می‌دهد که برتری برخی مردان بر برخی زنان در شرایط خاصی است، نه برتری کلی همه مردان بر همه زنان. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۳)

## قوامیت و مسئولیت‌های متقابل

ودود به مفهوم «قوامون» می‌پردازد و آن را به معنای مسئولیت مردان در مدیریت و حمایت از زنان تفسیر می‌کند. او این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این مسئولیت محدود به خانواده است یا شامل تمام مردان و زنان در جامعه می‌شود. او معتقد است که این مفهوم باید در چارچوب روابط خانوادگی و اجتماعی بررسی شود و نه به عنوان برتری ذاتی مردان بر زنان. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۴-۱۳۳)

ودود همچنین به مسئولیت‌های زنان در به دنیا آوردن فرزندان اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که این مسئولیت بسیار سنگین و حیاتی است. او معتقد است که قوامیت مردان باید به گونه‌ای باشد که از زنان در انجام این مسئولیت حمایت کند و به آن‌ها ظلم نشود. این رابطه باید مبتنی بر عدالت و تعادل باشد. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۵)

## چالش‌های معاصر

ودود به چالش‌های معاصر در جوامع مختلف اشاره می‌کند، مانند جوامعی با جمعیت زیاد (مانند چین و هند) یا جوامع سرمایه‌داری (مانند آمریکا) که در آن‌ها درآمد یک نفر برای تأمین خانواده کافی نیست. او همچنین به شرایطی مانند نازایی زنان یا ناتوانی مردان در تأمین مالی خانواده اشاره می‌کند و سؤال می‌پرسد که در این شرایط چگونه می‌توان تعادل و عدالت را برقرار کرد. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۵-۱۳۶)

## نتیجه‌گیری ودود

ودود نتیجه می‌گیرد که آیه ۳۴ سوره نساء باید با توجه به تغییرات اجتماعی و مسئولیت‌های متقابل مردان و زنان تفسیر شود. او معتقد است که این آیه تکلیفی آرمانی برای مردان در ایجاد جامعه‌ای مشارکتی و متعادل وضع می‌کند. این مسئولیت نباید تنها به بعد مادی محدود شود،

بلکه باید ابعاد روحی، اخلاقی، فکری و روانی را نیز در بر گیرد. چنین نگرشی به مردان امکان می‌دهد تا نقش «خلیفه» بودن خود را در دنیا به درستی محقق کنند و از تفکر رقابتی و طبقاتی فاصله بگیرند. (ر.ک؛ همان، ص ۱۳۶؛ خندقی، متن‌گرایی تاریخی: نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود، ص ۶۳-۶۵)

## بخش چهارم: تحلیل تطبیقی دیدگاه ها

در این بخش، دیدگاه‌های این دو اندیشمند به صورت تطبیقی بررسی می‌شود تا شباهت‌ها، تفاوت‌ها، و مبانی تفسیری آن‌ها تحلیل شود.

### نظر کلی به آیه ۳۴ سوره نساء

#### الف) علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «**الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...**» بر اساس اصول فقهی و فلسفه اسلامی، قوامیت را نوعی مسئولیت مدیریتی و اقتصادی مرد می‌داند. اوامیت را نتیجه دو عامل می‌دانند:

**۱ . ویژگی‌های طبیعی و جسمانی مردان که برای مدیریت خانواده مناسب‌تر هستند.**

**۲ . نقش مردان اقتصادی در هزینه‌های خانواده .**

علامه این تقسیم وظایف را بخشی از نظم الهی و عدالت خداوند می‌داند که به نفع پایداری خانواده و اجتماع طراحی شده است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۳-۳۶۳).

#### ب) آمنه ودود

آمنه ود، با خصوصیات تاریخی-اجتماعی و بر اساس اصول برابری جنسیتی، قوامیت را به‌عنوان یک مسئولیت موقتی می‌بینند که در بستر زمان نزول قرآن معنای پیدا می‌کند. او معتقد است که این آیه به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آن زمان پاسخ می‌دهد، جایی که زنان به حمایت مالی و اجتماعی نیاز دارند. ودود این مفهوم را غیرمطلق و وابسته به تغییر شرایط تاریخی می‌داند (قرآن و زن، ص ۶۷-۶۹).

## ۲ .مفهوم قوامیت: مسئولیت یا سلطه

### الف) علامه طباطبایی

علامه قوامیت را نه به معنای سلطه یا برتری ذاتی مردان، بلکه به مسئولیت و وظیفه مدیریتی می‌دانند. او معتقد است که این مسئولیت باید در چارچوب عدالت و رعایت حقوق زنان باشد. در نگاه او، قوامیت برای ایجاد ساختار در خانواده طراحی شده و نگاه افراطی، به معنای سلطه جویی نیست (المیزان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۳۳۵).

### ب) آمنه ودود

آمنه ودود قوامیت را از تفاسیر سنتی جدا می‌کند و آن را مربوط به ساختارهای اجتماعی و تاریخی می‌داند. او نقد می‌کند که تفاسیر سنتی، قوامیت را با سلطه برابر دانسته و برتری آن‌ها را توجیه کرده‌اند. به باور او قوامیت باید در چارچوب عدالت جنسیتی و بر اساس شراکت برابر زن و مرد بازتعریف شود (قرآن و زن، ص ۷۱).

## ۳ .عدالت در قیومیت

### الف) علامه طباطبایی

علامه معتقد است که عدالت الهی بیان قوام است. در این خانواده، مردان باید در مدیریت، حقوق و نیازهای زنان را رعایت کنند. او عدالت را به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌داند و معتقد است که قوامیت موجب تضییع حقوق نشود (المیزان، ج۴،ص۳۳۷).

### ب) آمنه ودود

ودود عدالت را فراتر از رابطه در نقش‌ها می‌داند و به برابری جنسیتی پافشارب می‌کند. او معتقد است که عدالت قرآنی نباید با تفسیر مردسالارانه تطبیق داده شود و باید در عدالت جنسیتی بازتعریف شود. از نگاه او، تفسیری که نابرابری را توجیه می‌کند، با روح قرآن در تضاد است. (قرآن و زن، ص۷۱).

## ۴ .سیاق تاریخی و اجتماعی

### الف) علامه طباطبایی

علامه قوامیت را مفهومی فرازمانی می‌داند که بر اساس حکمت الهی و نظم اجتماعی طراحی شده است. او معتقد است که «قوامیت)) مردان بر زنان، متناسب با ویژگی‌های طبیعی و ذاتی مردان و زنان است، و این تقسیم‌بندی نقش‌ها بوده و این نظام تا زمان حال نیز کارآمد است (المیزان، ج۴،ص ۳۳۷)

### ب) آمنه ودود

ودود بر این باور است که باید در بستر زمان نزول قرآن درک شود. او معتقد است که آیه ۳۴ سوره نساء پاسخی به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی عربستان در زمان نزول قرآن بوده و نباید به‌عنوان قانونی فرازمانی و غیرقابل تغییر تلقی شود (قرآن و زن، ص۷۱)

## ۵ .نقد تفاسیر سنت

### الف) علامه طباطبایی

علامه با پذیرش اصول کلی تفاسیر سنتی، تاکید بر رعایت حقوق زنان و عدالت را دارد و از برداشت‌های افراطی که «قوامیت» را به سلطه‌گری مرد تعبیر می‌کنند، انتقاد می‌کند. (المیزان، ج۴، ص۳۳۵).

### ب) آمنه ودود

ودود تفاسیر سنتی را به دلیل متاثر از فرهنگ پدرسالارانه و عدم توجه به تغییرات اجتماعی می‌داند و نقد تاریخی می‌کند. او معتقد است که این تفاسیر به‌جای توجه به تاریخی سیاق آیه، آن را به‌عنوان قانونی و فرازمانی معرفی کرده‌اند (قرآن و زن، ص۶۹).

### ۶. قلمرو قوامیت

#### الف) علامه طباطبایی

علامه معتقد است که قوامیت مردان نه فقط در خانوده بلکه در اجتماع هم ثابت است، مانند قضاوت، حکومت و جنگ (المیزان، ج۴، ص۳۳۶،۳۳۵).

#### ب) آمنه ودود

ودود با پذیرش متغیر بودن قوامیت، آن را در قلمرو خانه و خانواده محدود می‌کند (قرآن و زن، ص۷۰).

## نتیجه

بررسی مفهوم قیومیت مرد در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی و آمنه ودود نشان‌دهنده‌ی گوناگونی از دیدگاه‌ها و تفاسیر در تحلیل مفاهیم دینی است. قیومیت، مفهومی بنیادین در روابط خانوادگی و اجتماعی در قرآن، در تفاسیر سنتی و معاصر به‌گونه‌ای متفاوت معنا و تفسیر شده است که این تفاوت‌ها ریشه در مبانی معرفتی، اجتماعی و تاریخی مفسران دارد.

علامه طباطبایی با اتکا به اصول فلسفی و الهی، قیومیت را مسئولیت مدیریتی و اقتصادی برای مردان می‌دانند. وی بر این باور است که این نقش‌ها بر اساس ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی مردان و زنان طراحی شده و عدالت الهی تقاضا می‌کند که مردان در عین مدیریت، حقوق زنان را رعایت می‌کنند. در نگاه علامه، قوامیت مفهومی فرازمانی و بخشی از نظام اجتماعی مبتنی بر حکمت الهی است.

علامه طباطبایی با اتکا به اصول فلسفی و الهی،

قیومیت را مسئولیت مدیریتی و اقتصادی برای مردان می‌دانند. وی بر این باور است که این نقش‌ها بر اساس ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی مردان و زنان طراحی شده و عدالت الهی می‌کند که مردان در عین مدیریت، حقوق زنان را رعایت می‌کنند. در نگاه علامه، قوامیت مفهومی فرازمانی و بخشی از نظام اجتماعی مبتنی بر حکمت الهی است.

در مقابل، آمنه ودود با رویکردی نواندیشانه و تاریخی، قوامیت را به بستر اجتماعی زمان نزول قرآن می‌داند. او معتقد است که این مفهوم، پاسخی به شرایط خاص آن زمان بوده و نیازمند بازخوانی در پرتو تغییرات اجتماعی معاصر است. ودود بوده است می‌کند که تفسیرهای سنتی متأثر از فرهنگ پدرسالارانه و با اصل برابری جنسیتی در قرآن مغایرت دارند.

تحلیل تطبیقی این دو دیدگاه نشان داد که هر دو مفسر به عدالت به‌عنوان کانونی‌ترین اصل توجه دارند؛ اما در تفسیر عدالت و نسبت آن با قوامیت، اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی عدالت را در تقسیم بندی الهی بر اساس نظم تلاش می‌کند، در حالی که آمنه ودود عدالت را در برابری کامل جنسیتی می‌جوید.

نتیجه‌گیری این مقاله نشان می‌دهد که در دنیای معاصر، مفاهیم دینی مانند قیومیت می‌توانند در تفسیرهای مختلف و بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی، معانی متفاوتی پیدا کنند. دقیق‌تر و جامع‌تر این مفاهیم نیازمند تأمل بیشتر در مبانی فکری و تحولات اجتماعی است. همچنین، این پژوهش می‌کند که برای درک مفاهیم از آموزه‌های قرآن، باید در میان تفاسیر سنتی و تفاسیر معاصر گفتمانی ایجاد شود که در آن نه تنها به متن قرآن توجه شود، بلکه شرایط زمانی و اجتماعی جدید نیز در نظر گرفته شود.

به‌طور کلی، این مقاله نشان داد که مفهوم قیومیت مرد در قرآن یک موضوع پیچیده و نیازمند بازخوانی و تفسیر مجدد است. بازخوانی این مفاهیم باید با برابری جنسیتی، حقوق بشر و تحولات اجتماعی صورت گیرد. در نهایت، باید تفسیرهای قرآن در دنیای معاصر به‌گونه‌ای به‌روز و متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی انجام شود تا هم‌خوانی بیشتر با اصول عدالت، برابری و حقوق انسانی باشد.

## کتابنامه


**قرآن کریم**.

ابن اثیر جزری، مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن ابی الکرم محمد بن محمد بن عبدالکر عبدالواحد شیبانی موصلی **النهایة فی غریب الحدیث والاثر**، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.

ابن فارس، ابوالحسین احمد، **معجم مقاییس اللغة**، دار الفکر، ۱۳۹۹ش.

ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، بی تا.

بارلاس،اسماء (۱۳۹۲) «**بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه و دود از قرآن**». آینه پژوهش . ترجمه مهرداد عباسی و متینه السادات موسوی سال ۲۴ شماره ۱ پیاپی (۱۳۹) صص ۳۲-۲۱

جوهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت، دارالعلم،۱۴۰۷ق.

حسینی واسطی،زبیدی سید محمد مرتضی بن محمد **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، تهران،موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀، بی تا.

خندق آبادی، مجید، بهار ۱۳۹۴ «**متن گرایی :تاریخی نگاهی به روش تفسیری آمنه و دود با نسیر آیه ۳۴ سوره نساء**»، فصلنامه سراج منیر دوره ۶ ش ۱۸.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد **المفردات فی غریب القرآن** دمشق - بیروت دار العلم_ الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.

زمخشری، جار الله محمود بن عمر،**اساس البلاغه**، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه،۱۴۱۹ ق.

شفیعی، سعید. بهار و تابستان ۱۳۹۶ش، **رهیافتهای تاریخی هرمنوتیکی به تفسیر قرآن» دو فصلنامه احسن الحدیث**.

طباطبایی محمدحسین، **قرآن در اسلام**،تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.

طباطبایی سید محمد حسین، **نهایة الحکمه**، مرکز تحقیقات قرآن کریم الزهراء،تهران، تعلیق آیت‌الله مصباح یزدی، ۱۳٦۲ش.

طباطبایی سید محمد حسین، **المیـــزان فی تفسیر القرآن**، ج ۱، ۱، ۳، ۱۸ و ۲۰ تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱٤۱۷ ق.

طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین و مطلع النیرین** تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد کتاب **العین**، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.

فیومی، ابوالعباس محمدبن علی، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**،بیروت، المکتبه العلمیه، بی تا.

قرشی بنایی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، چاپ هفتم، بیروت احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.

ودود، آمنه (۱۳۹۳) **قرآن و زن**. ترجمهٔ اعظم پویا و معصومه آگاهی . تهران: انتشارات حکمت.

Fazlur Rahman, "Islamic Modernism: Its Scope, Methods, and Alternatives," International Journal of Middle East Studies, vol۱. p..(۱۹۷۰) ۳۳۳-۳۱۷

Wadud-Muhsin, Amina, Qur'an and Women: Rereading the Sacred Text from a woman's Perspective, New York: Oxford University Press, .۱۹۹۹